

ch : 23

مترجم

Masih

کاری از تیم  
انیمه ساما

ادیتور

Misao



ඔබගේ ඔබේ ආරක්ෂා වැඩි කිරීමේදී  
ඔබේ ආරක්ෂා වැඩි කිරීම



ඔබේ ආරක්ෂා වැඩි කිරීමේදී  
ඔබේ ආරක්ෂා වැඩි කිරීම

خدا من می خوام زنده بمونم.  
خدا من می خوام زنده بمونم



快看!

快看漫画独家

主笔: Djade

编剧: KRE

责编: 半月

ANIME SAMA



نمی تونه  
اینجوری باشه.

توی خاطرات به طور واضح  
گفته بود که اون هو لو  
بود. که ه-هان چنگ بعد از  
این که هو لو آرزو کرد،  
برگشت.



هیچ وقت به این فکر  
کردی

که اون چه طور اینو  
فهمید؟



هان چنگ؟

هان چنگ؟

یه دفترچه؟

مال  
هان چنگه؟

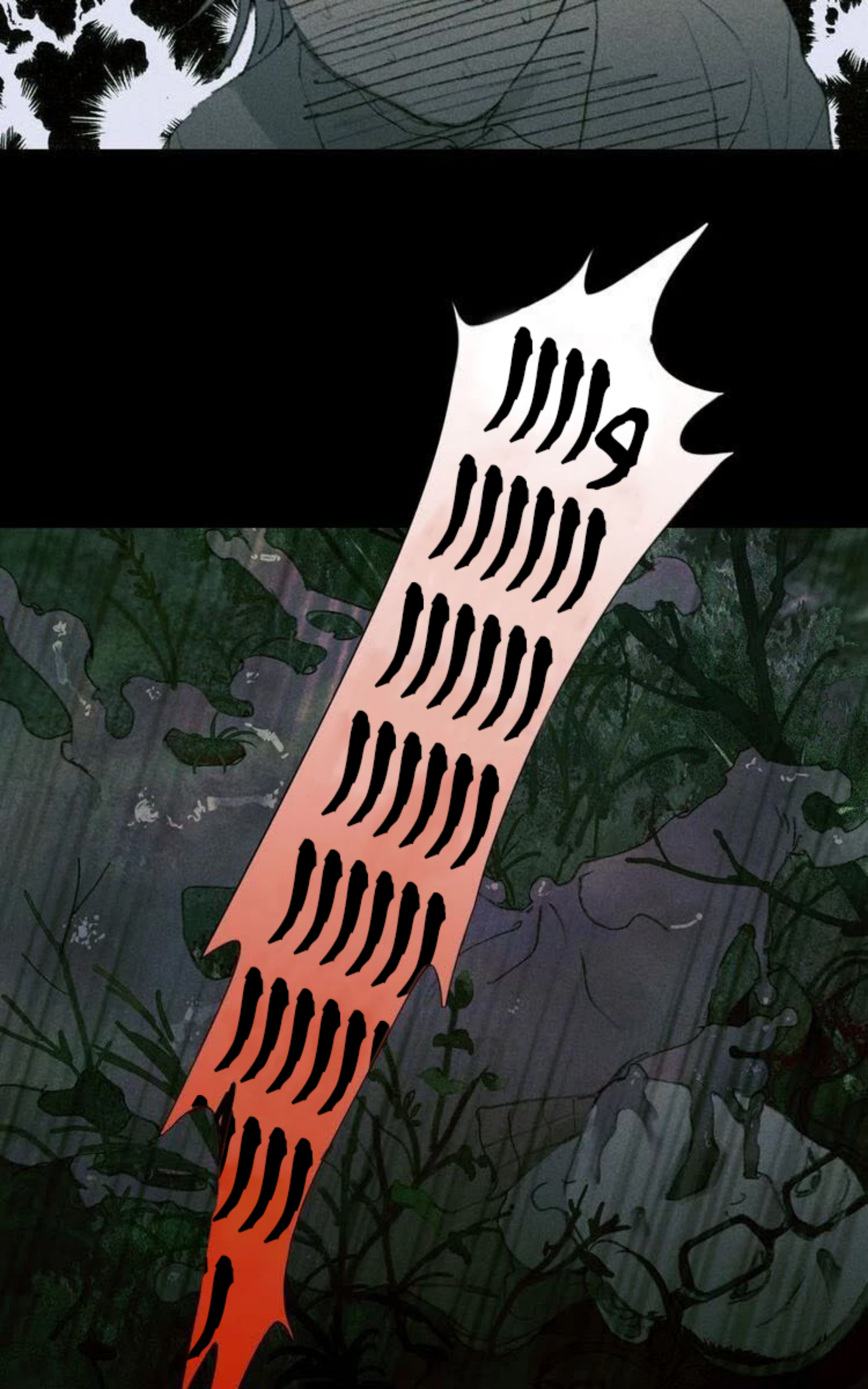
快看! 快看漫画

اون کجا رفته؟

برداشتن







AXIME GAMA

اون ديگه  
چی بود...؟

من...؟



快看! 快看漫画





خیلی آسونه کاری  
کنی که یه آدم به  
خدا ایمان بیاره

وقتی اون دچار  
اختلال روانی شد،

خدا وجود داره. از کاغذای  
قرمز برای آرزو کردن استفاده  
کنین و آرزو کنین، بعدش من  
برمیگردم. لطفاً  
نجاتم بدین!

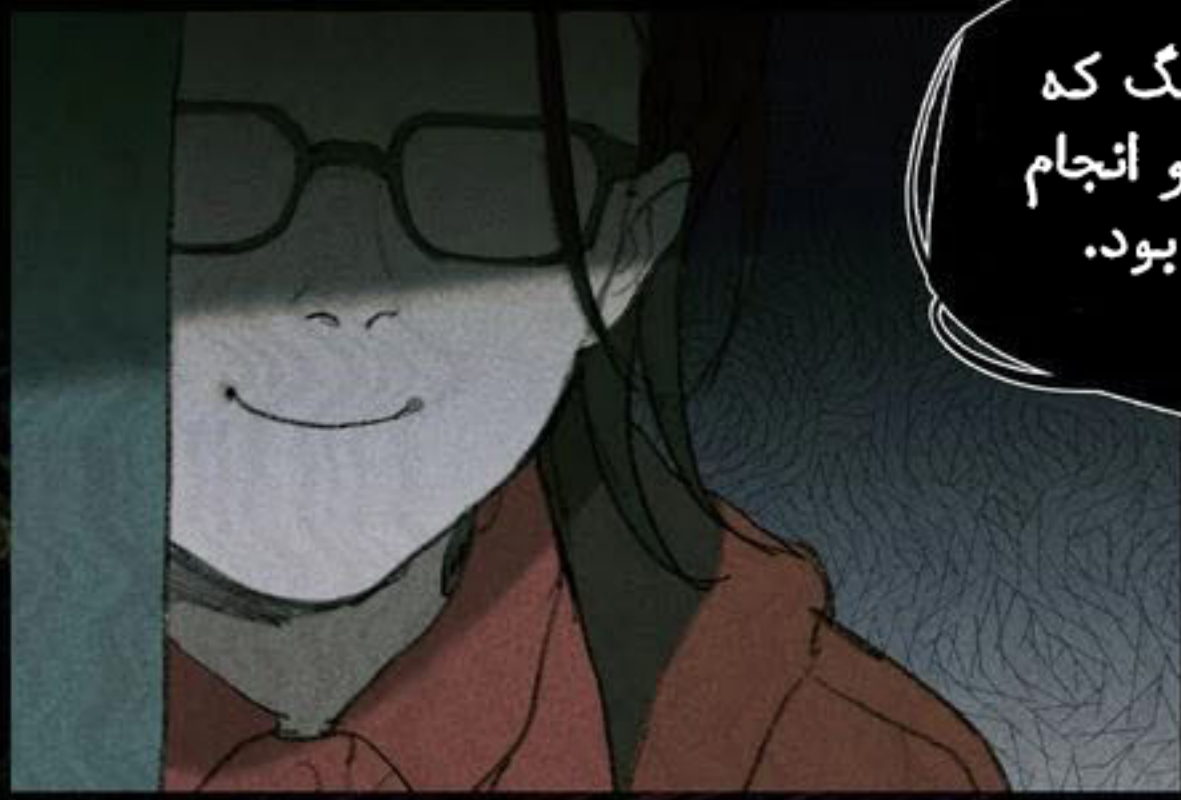
مجبورش کرد آرزوی  
چیزی کنه که راحت به  
دست میاد.



هان چنگ!

هان چنگ!





اون یارو هان چنگ که  
همه ی این کارا رو انجام  
داد آدم زرنگی بود.

...هشش کیسه.

بهش هشدار داده بودم  
که هیچ وقت آرزو  
نکنه.



اون از خیانت و قتل پیش حرفش  
شکایت کرد

اون برابری با پانده



اینجا که شورش و بیگانه  
...تو میمانی



اینجا که تو میمانی  
اینجا که تو میمانی  
اینجا که تو میمانی





# سه خواب بالا بیارم







باید بینیش

و به یاد بیاری



گرفتن



وووووووش!





خوب گوش کن، و سوال نپرس.



چیزی که من پرسیدم این بود،

تو خانوادمو  
کشتی؟



”خانواده“، عجب مفهوم عجیبی

هیچ وقت فایده ی داشتنشونو نفهمیدم و از این که تو دستاشون جون بدم، متنفرم





تو اولش از اونا خوشت  
نمیومد، درستیه؟



خیلی خب پس،  
اگه این آرزوته...

شکل گرفته

شکل گرفته

وایسا

ANIME SAMA

快看! 快看漫画

همین الان تمومش  
کن

من فقط یه آرزو  
دارم،



و اونم

بغیرشان

اینه که تو  
ناید بشی!

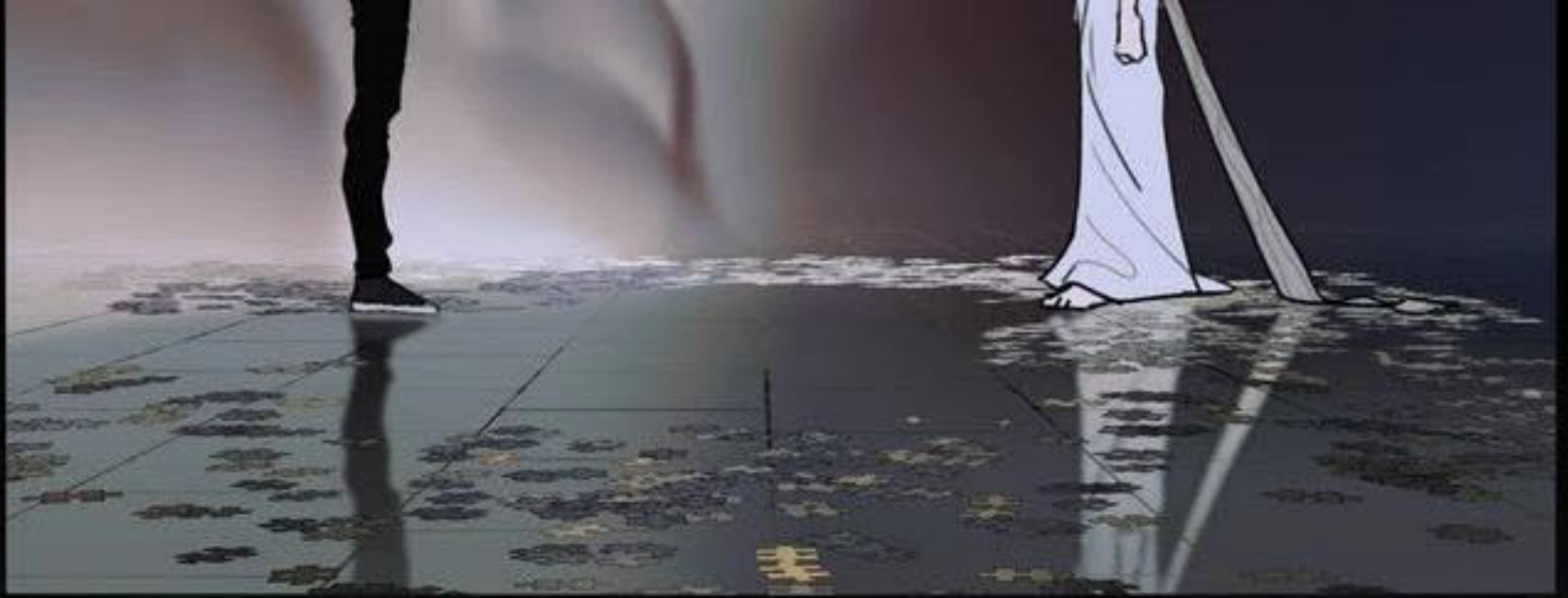
حالا میفهمم

که چرا باید اونا  
رو می کشتی.

حسودیت  
می شد.

من و تو کاملا  
شبه همیم.





ولی به خاطر همون  
آدمایی که به چشم  
تحقیر بهشون نگاه  
می کردی،

من نجات پیدا  
کردم.

بورووووم!!

لرزش

لرزش









الان همه چی  
یادم میاد



وقتی داشتم  
میومدم،

ورودی روستا با فلز  
ذوب شده مهر و  
موم شده بود.



همین طور که به  
سختی زنده نگهم  
داشتم،

اونا حتی یه روزنه ی  
کوچیک برام گذاشتن  
که تقلا کنم خشممو  
آزاد کنم.

ANIME SAMA







اون تنها قسمتی که  
می تونه شکسته  
بشه.

اگه مجسمه ی  
سنگی از هم  
پاشه،

هر دومون ناپدید  
میشیم



مثل این که...

اوضاع اون طوری که  
باید، از آب درنیومد.







اینجوری...



آرزوی  
"نفرین خونین"  
میکنن؟